

تأثیر ارزشهای دیجیتال بر بهینه‌سازی تخصیص ارز و ارتقای رقابت‌پذیری تجاری

زهرة قوام مسعودی

عضو هیات علمی گروه بانکداری، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول).

Z_ghavami@azad.ac.ir

مریم رهبری

کارشناسی ارشد مدیریت بازرگانی - بازرگانی بین الملل، واحد الکترونیکی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

maryamrahba22@gmail.com

محمدامین علی اکبری

کارشناسی ارشد مدیریت مالی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

Aliakbarimohammadamin1@gmail.com

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر ارزشهای دیجیتال بر بهینه‌سازی تخصیص ارز و ارتقای رقابت‌پذیری تجاری در شرکت‌های بورسی ایران انجام شد. این مطالعه از نوع کاربردی-تبیینی و با رویکرد کمی طراحی شده است. داده‌های پژوهش از طریق پرسشنامه ساخت‌یافته ۳۰ سؤال با مقیاس لیکرت پنج درجه‌ای از ۱۵۰ مدیر مالی شرکت‌های بورسی جمع‌آوری شد. جامعه آماری شامل مدیران مالی شرکت‌های بورسی بود و نمونه‌گیری با روش تصادفی طبقه‌ای انجام شد تا شرکت‌ها بر اساس اندازه و نوع فعالیت انتخاب شوند. داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS و SmartPLS تحلیل شد و روش‌های آماری شامل تحلیل توصیفی، همبستگی، رگرسیون چندگانه و مدل‌یابی معادلات ساختاری (SEM) به کار گرفته شد. نتایج نشان داد که استفاده از ارزشهای دیجیتال تأثیر مثبت و معناداری بر بهینه‌سازی تخصیص ارز دارد. همچنین استفاده از ارزشهای دیجیتال بر ارتقای رقابت‌پذیری تجاری تأثیر معنی‌داری دارد. این یافته‌ها تأکید می‌کنند که پذیرش فناوری‌های دیجیتال و بهینه‌سازی تخصیص منابع ارزی می‌تواند کارایی عملیاتی، شفافیت مالی و انعطاف‌پذیری شرکت‌ها را افزایش دهد و موجب ارتقای مزیت رقابتی پایدار شود. نتایج بر اهمیت توسعه زیرساخت‌های دیجیتال و سیاست‌های حمایتی بانک مرکزی برای ارتقای عملکرد شرکت‌های بورسی تأکید می‌کند.

واژگان کلیدی: ارز دیجیتال، بهینه‌سازی تخصیص ارز، رقابت‌پذیری تجاری، شرکت‌های بورسی.

مقدمه

تحولات سریع فناوری‌های مالی در دهه اخیر، نقش پول و سازوکارهای پرداخت را در اقتصاد جهانی دگرگون ساخته است. یکی از مهم‌ترین این تحولات، ظهور ارزشهای است که تحت تأثیر پیشرفت‌های هوش مصنوعی، رایانش ابری و بلاکچین شکل گرفته‌اند (اندروین^۱ و همکاران، ۲۰۲۳). افزایش توجه بانک‌های مرکزی به این نوع از پول دیجیتال ناشی از ظرفیت آنها در افزایش کارایی سیاست‌های پولی، کاهش هزینه تراکنش‌ها، ارتقای شفافیت و بهبود ثبات مالی است (پوردان^۲ و همکاران، ۲۰۲۴). از منظر بین‌المللی نیز ارزشهای دیجیتال‌ها پاسخی به نیاز کشورها برای سازگاری با اقتصاد

¹ Andronie

² Prodan

دیجیتال در حال گسترش و رقابت فزاینده در نظام پولی جهانی به شمار می‌روند (دیانیسوپولوس^۱ و همکاران، ۲۰۲۴). در سال‌های اخیر، توسعه فناوری‌های نوین مالی به‌ویژه ارزش‌های دیجیتال، تحولات قابل توجهی در ساختارهای اقتصادی و بازارهای جهانی ایجاد کرده است. رمزارزها به‌عنوان ابزارهای مالی غیرمتمرکز، امکان انجام تراکنش‌های سریع، امن و بدون نیاز به واسطه‌های بانکی سنتی را فراهم می‌کنند، و از این رو نقش مهمی در بهینه‌سازی تخصیص منابع ارزی و مدیریت جریان‌های مالی بین‌المللی ایفا می‌کنند (عین‌آبادی، حاتمی و بیگی، ۱۴۰۳). استفاده مؤثر از ارزش‌های دیجیتال می‌تواند کارایی بازارهای ارزی را افزایش داده و موجب کاهش هزینه‌های تراکنش، تسریع انتقال پول و بهبود شفافیت مالی شود، امری که به تخصیص بهینه منابع و افزایش بهره‌وری اقتصادی کمک می‌کند. از سوی دیگر، ارزش‌های دیجیتال با ارائه روش‌های نوین پرداخت و امکان دسترسی به بازارهای بین‌المللی بدون محدودیت‌های جغرافیایی و تحریم‌های مالی، ظرفیت قابل توجهی در ارتقای رقابت‌پذیری تجاری شرکت‌ها و کشورها ایجاد می‌کنند (قدم‌زن جلالی و همکاران، ۱۴۰۲). این فناوری‌ها امکان کاهش واسطه‌ها، افزایش سرعت و امنیت معاملات و تسهیل تعاملات تجاری را فراهم می‌سازند، که در نهایت منجر به افزایش توان رقابتی بنگاه‌ها و بهره‌برداری مؤثر از فرصت‌های جهانی می‌شود. یکی از حوزه‌هایی که ارزش‌های دیجیتال می‌توانند تحولی بنیادین در آن ایجاد کنند، بهینه‌سازی تخصیص ارز و تقویت رقابت‌پذیری تجاری کشورها است. دسترسی سریع‌تر و شفاف‌تر به اطلاعات مالی، کاهش عدم تقارن اطلاعاتی، امکان رهگیری جریان‌های ارزی و ارتقای کیفیت مدیریت نقدینگی از جمله مزایایی است که می‌تواند بر کارایی تخصیص ارز، به‌ویژه در اقتصادهای باز و تابع نوسانات ارزی، تأثیرگذار باشد (موسی^۲ و همکاران، ۲۰۲۱). از سوی دیگر، دیجیتالی‌سازی ابزارهای پرداخت و سیاست‌های پولی می‌تواند با کاهش هزینه‌های مبادله، ارتقای سهولت تجارت، و ایجاد محیطی رقابتی‌تر برای بنگاه‌ها، عملکرد تجاری کشورها را بهبود بخشد (باربو^۳ و همکاران، ۲۰۲۱). تحولات فناوری در نظام‌های مالی و ظهور ارزش‌های دیجیتال و سایر دارایی‌های دیجیتال، تأثیر عمیقی بر کارایی تخصیص ارز و رقابت‌پذیری تجاری داشته است. این فناوری‌ها، از جمله سیستم‌های پرداخت دیجیتال، بلاک‌چین، هوش مصنوعی و تحلیل کلان‌داده، با بهبود سرعت و کاهش هزینه تراکنش‌ها و افزایش شفافیت در جریان‌های ارزی، امکان بهینه‌سازی تخصیص منابع را فراهم می‌کنند (لازارو^۴ و همکاران، ۲۰۲۳). در عین حال، تجربه مشتری، پذیرش بازار و شمول مالی نقش مهمی در تحقق مزایای اقتصادی این فناوری‌ها ایفا می‌کنند. با این وجود، موفقیت این فرآیندها به شدت تحت تأثیر سیاست‌های پولی و چارچوب‌های نظارتی، مدیریت ناشناسی تراکنش‌ها، و ملاحظات زیست‌محیطی ناشی از زیرساخت‌های فناوری قرار دارد. بر این اساس، پذیرش و استفاده از ارزش‌های دیجیتال، از طریق بهینه‌سازی تخصیص ارز و با تعدیل سیاست‌های پولی، شمول مالی و اثرات زیست‌محیطی، منجر به ارتقای رقابت‌پذیری تجاری و ثبات اقتصادی می‌شود (بانرجی و سینها^۵، ۲۰۲۳). بانک‌های مرکزی نیز با هدف افزایش اثربخشی سیاست‌گذاری پولی، شفافیت، پاسخ‌گویی و تقویت اعتماد عمومی، به بررسی پیاده‌سازی ارزش‌های دیجیتال در چارچوب‌های نهادی خود پرداخته‌اند (توری^۶، ۲۰۲۲). در عین حال، ملاحظات همچون امنیت، حریم خصوصی، مصرف انرژی و پایداری زیست‌محیطی نیز مورد توجه قرار گرفته است. بررسی ابعاد اقتصادی و سیاستی نشان می‌دهد که این ابزار می‌تواند نه تنها به کارآمدسازی تخصیص ارز کمک کند، بلکه از طریق مدرن‌سازی زیرساخت‌های مالی، رقابت‌پذیری تجاری کشورها را نیز ارتقا دهد (ریبسکی^۷، ۲۰۲۴). مطالعات

¹ Dionysopoulos

² Musa

³ Barbu

⁴ Lăzaroiu

⁵ Banerjee & Sinha

⁶ Tuori

⁷ Rybski

اخیر نشان می‌دهند که حتی مکانیسم‌های اجماع فراتر از اثبات کار، مصرف انرژی قابل توجهی دارند و ردپای کربنی سیستم‌های پرداخت دیجیتال می‌تواند با اهداف توسعه پایدار در تعارض باشد. همچنین، چالش‌های مدیریتی مرتبط با داده‌های حجیم و الگوریتم‌های هوش مصنوعی در سیستم‌های مالی دیجیتال، نیازمند رویکردهای نوآورانه برای بهینه‌سازی تخصیص منابع و ارتقای رقابت‌پذیری است. در نتیجه، مسئله اصلی تحقیق این است که چگونه می‌توان ارزش‌های دیجیتال را به گونه‌ای طراحی و مدیریت کرد که هم به بهینه‌سازی تخصیص ارز کمک کنند و هم رقابت‌پذیری تجاری را افزایش دهند، بدون آنکه چالش‌های زیست‌محیطی، مدیریتی و سیاست‌گذاری نادیده گرفته شوند. پاسخ به این سؤال مستلزم تحلیل جامع فناوری‌های دیجیتال مالی، مدل‌های مدیریتی داده و سیاست‌های پولی معاصر است و به پژوهشگران امکان می‌دهد چارچوب‌های نوآورانه برای توسعه پایدار و رقابتی اقتصاد دیجیتال ارائه دهند. بنابراین، مطالعه تأثیر ارزش‌های دیجیتال بر سازوکار تخصیص ارز و عملکرد تجاری کشورها، می‌تواند به فهم بهتر ظرفیت‌های این ابزار نوین پولی برای تحول ساختاری اقتصاد، بهبود سیاست‌گذاری ارزی و تقویت جایگاه کشورها در تجارت بین‌المللی کمک کند. این مقدمه زمینه‌ای فراهم می‌کند تا در ادامه، رابطه میان ارزش‌های دیجیتال و فرآیندهای تخصیص ارز، مکانیسم‌های ارتقای رقابت‌پذیری، و پیامدهای سیاستی آنها تحلیل شود.

چارچوب نظری

ظهور ارزش‌های دیجیتال و زیرساخت‌های پرداخت دیجیتال، تحولی بنیادی در نظام‌های مالی و سیاست‌گذاری پولی ایجاد کرده است که می‌تواند تأثیر مستقیمی بر تخصیص بهینه ارز و ارتقای رقابت‌پذیری تجاری داشته باشد (اوزیلی^۱، ۲۰۲۲). با این حال، موفقیت این ابزارهای نوین به شدت تحت تأثیر عوامل اجتماعی، سیاسی و نهادی است؛ عواملی مانند اعتماد کاربران، نگرانی‌های حریم خصوصی، چارچوب‌های قانونی و سیاست‌های پولی کشورها نقش تعیین‌کننده‌ای دارند (سیو^۲، ۲۰۲۳). از منظر اقتصادی کلان، ارزش‌های دیجیتال می‌توانند به عنوان ابزاری برای مدیریت نقدینگی، سیاست‌های نرخ بهره منفی و حمایت از شمول مالی عمل کنند، در حالی که با چالش‌هایی مانند حاکمیت پولی، ملاحظات زیست‌محیطی و محدودیت‌های قانونی نیز مواجه هستند (هوانگ و مایر^۳، ۲۰۲۲). این چارچوب امکان تحلیل یکپارچه اثرات فناوری‌های نوین مالی بر عملکرد اقتصادی و بازارها را فراهم می‌کند و خلأهای مطالعاتی موجود در ادبیات بین‌المللی را پر می‌سازد (باتمن و آلن^۴، ۲۰۲۲).

ارزش‌های دیجیتال با کاهش واسطه‌گری سنتی و تسهیل تراکنش‌های سریع و امن، نقش مهمی در بهینه‌سازی تخصیص منابع ارزی ایفا می‌کنند (عظیمی و بحرینی، ۱۴۰۰). این فناوری با افزایش شفافیت مالی و کاهش هزینه مبادلات، امکان تصمیم‌گیری دقیق‌تر فعالان اقتصادی را فراهم می‌کند و جریان ارز را به سمت بخش‌های پرکارایی سوق می‌دهد (چن^۵ و همکاران، ۲۰۲۵). علاوه بر این، ارزش‌های دیجیتال و توسعه زیرساخت‌های مالی دیجیتال، به کاهش نوسانات غیرضروری و بهبود تخصیص منابع در شرایط محدودیت‌ها و تحریم‌ها کمک می‌کنند. پذیرش رمزارزها می‌تواند کارایی بازار ارز را افزایش دهد و تخصیص منابع را بهینه‌سازی کند، به ویژه در اقتصادهایی که با محدودیت‌های ارزی و مالی مواجه‌اند (ژی^۶ و همکاران، ۲۰۲۵). ارزش‌های دیجیتال با ویژگی‌هایی مانند شفافیت تراکنش، کاهش هزینه‌های مبادله و قابلیت

¹ Ozili

² Siu

³ Huang & Mayer

⁴ Bateman & Allen

⁵ Chen

⁶ Xie

پیگیری دقیق جریان پول، امکان تخصیص منابع ارزی بهینه را فراهم می‌کنند (کیف^۱ و همکاران، ۲۰۲۰). به‌ویژه در اقتصادهای در حال توسعه، که بازارهای ارزی با محدودیت و ناکارآمدی مواجه هستند، استفاده از رمزارزها می‌تواند تقاضا و عرضه ارز را متوازن تر کند و از تراکم منابع در بخش‌های غیرمولد جلوگیری نماید. علاوه بر این، مدل‌های مبتنی بر بلاکچین و ارزهای دیجیتال امکان مانیتورینگ لحظه‌ای جریان ارز را فراهم می‌کنند که این موضوع تصمیم‌گیری سیاست‌گذاران اقتصادی برای تخصیص بهینه منابع را تقویت می‌کند. به‌طور کلی، پذیرش گسترده ارزهای دیجیتال می‌تواند موجب کاهش هزینه‌های تراکنش، افزایش شفافیت و بهبود کارایی سیستم مالی شود که در نهایت به بهینه‌سازی تخصیص ارز کمک می‌کند (پرودان^۲ و همکاران، ۲۰۲۴). بر همین اساس فرضیه اول به شکل زیر می‌باشد:

استفاده از ارزهای دیجیتال بر بهینه‌سازی تخصیص ارز تاثیر دارد.

استفاده از ارزهای دیجیتال و فناوری بلاکچین در تجارت بین‌المللی، امکان انجام معاملات سریع‌تر، امن‌تر و کم‌هزینه‌تر را فراهم می‌کند و بنابراین توان رقابتی بنگاه‌ها را افزایش می‌دهد. به‌ویژه شرکت‌های کوچک و متوسط که دسترسی محدودی به سیستم‌های مالی بین‌المللی دارند، می‌توانند با بهره‌گیری از ارزهای دیجیتال، موانع ورود به بازارهای جهانی را کاهش دهند و فرآیندهای پرداخت و صادرات خود را تسهیل کنند (فراگوس^۳ و همکاران، ۲۰۲۰). علاوه بر این، ارزهای دیجیتال باعث افزایش شفافیت و اعتماد طرفین تجاری می‌شوند که این امر رقابت‌پذیری شرکت‌ها را تقویت می‌کند و امکان توسعه استراتژی‌های مبتکرانه بازاریابی و فروش را فراهم می‌آورد. به‌طور خلاصه، ارزهای دیجیتال با کاهش محدودیت‌های مالی، ارتقای امنیت معاملات و تسهیل جریان سرمایه، به یک ابزار مؤثر برای تقویت مزیت رقابتی در بازارهای داخلی و بین‌المللی تبدیل شده‌اند. استفاده از ارزهای دیجیتال موجب کاهش هزینه‌های تراکنش، افزایش سرعت نقل و انتقال وجوه و بهبود امنیت و شفافیت معاملات می‌شود (شجاعی و بدیعی، ۱۴۰۰). این ویژگی‌ها به شرکت‌ها اجازه می‌دهد به بازارهای جهانی دسترسی پیدا کنند و رقابت‌پذیری بین‌المللی خود را افزایش دهند (ون^۴ و همکاران، ۲۰۲۳). علاوه بر این، پذیرش ارزهای دیجیتال موجب انعطاف‌پذیری بیشتر در فرآیندهای پرداخت و معاملات بین‌المللی شده و وابستگی به سیستم‌های مالی سنتی و محدودیت‌های بانکی را کاهش می‌دهد (باسو^۵، ۲۰۲۵). در نتیجه، بنگاه‌ها می‌توانند با بهره‌گیری از این فناوری، مزیت رقابتی خود را در بازارهای خارجی تقویت کنند و توان صادراتی و تعاملات مالی بین‌المللی خود را بهبود بخشند (ژانگ^۶ و همکاران، ۲۰۲۵). بر همین اساس فرضیه دوم به شکل زیر می‌باشد:

استفاده از ارزهای دیجیتال بر ارتقای رقابت‌پذیری تجاری تاثیر دارد.

پیشینه پژوهش

ما^۷ (۲۰۲۴)، در مطالعه‌ای درباره مدل‌های نوآورانه تجارت الکترونیک فرامرزی نشان می‌دهد که تحولات اقتصاد دیجیتال موجب بازآرایی زنجیره ارزش جهانی شده و مدل‌های نوین مبتنی بر داده و پلتفرم می‌توانند کارایی تخصیص منابع و عملکرد صادراتی بنگاه‌ها را بهبود دهند. او بیان می‌کند که دیجیتالی‌شدن جریان‌های تجاری، فرصت‌های جدیدی برای بنگاه‌ها در بازارهای خارجی ایجاد می‌کند. دالوکو^۸ و همکاران (۲۰۲۴)، نقش دیجیتالی‌سازی را در عملکرد تجارت

¹ Kiff

² Prodan

³ Fragkos

⁴ Wen

⁵ Basu

⁶ Zhang

⁷ Ma

⁸ Dallochio

الکترونیک برون مرزی شرکت‌های کوچک و متوسط ایتالیایی بررسی کرده و تأکید می‌کنند که دیجیتالی‌سازی نه تنها موجب تسهیل ورود به بازارهای بین‌المللی می‌شود، بلکه با کاهش هزینه‌های معاملاتی و بهبود مدیریت زنجیره عرضه، رقابت‌پذیری صادراتی را تقویت می‌کند. چن^۱ و همکاران (۲۰۲۵)، با بررسی نقش پلتفرم‌های تجارت الکترونیک بین‌المللی در اقتصاد دیجیتال، نتیجه می‌گیرند که این پلتفرم‌ها با ایجاد دسترسی به داده‌های دقیق بازار جهانی و تحلیل‌های بلادرنگ، بنگاه‌ها را قادر می‌سازند تصمیمات کارآمدتری درباره تخصیص منابع، قیمت‌گذاری و انتخاب بازار هدف اتخاذ کنند. این فرآیند به‌طور مستقیم توان رقابتی تجارت خارجی را تقویت می‌کند. ژی^۲ و همکاران (۲۰۲۵)، از منظر بهینه‌سازی منابع، الگویی برای تخصیص بهینه منابع بازاریابی در تجارت الکترونیک بین‌المللی ارائه می‌کنند و نشان می‌دهند که استفاده از داده‌های بزرگ و پیش‌بینی چندمحصولی می‌تواند بهره‌وری تخصیص منابع را افزایش داده و از هدررفت سرمایه جلوگیری کند. ژانگ^۳ و همکاران (۲۰۲۵)، نقش فناوری بلاک‌چین را در افشای اطلاعات کیفیت و رقابت میان عرضه‌کنندگان مستقر در پلتفرم‌های تجارت الکترونیک بررسی کرده و بیان می‌کنند که شفافیت مبتنی بر بلاک‌چین موجب افزایش اعتماد بازار، بهبود انتخاب مصرف‌کنندگان و ارتقای رقابت‌پذیری عرضه‌کنندگان در زنجیره تجارت جهانی می‌شود. لیو^۴ و همکاران (۲۰۲۵)، با استفاده از تحلیل متن نظرات مصرف‌کنندگان، تأکید می‌کنند که داده‌کاوی هیجانانگیز مصرف‌کننده به کسب‌وکارها امکان می‌دهد تصمیمات بازاریابی در تجارت برون‌مرزی را بهینه‌سازی کرده و منابع محدود را به کانال‌های پربازده‌تری تخصیص دهند. تان^۵ (۲۰۲۵)، با بررسی نظام پرداخت تجارت الکترونیک فرامرزی چین در چارچوب «چرخه دوگانه»، تأکید دارد که توسعه ابزارهای پرداخت دیجیتال موجب کاهش هزینه‌های تبدیل ارز و سرعت‌بخشی به فرآیند تسویه مالی در تجارت خارجی می‌شود، که این امر مستقیماً بر ارتقای رقابت‌پذیری تجاری اثرگذار است. سیو^۶ (۲۰۲۵)، در تحلیل مالی فراگیر دیجیتال، نشان می‌دهد که توسعه مالی دیجیتال از طریق تسهیل دسترسی به منابع مالی، تقویت نوآوری فناورانه و ارتقای کیفیت تولید، می‌تواند عملکرد صنعتی کشورها را در بازارهای جهانی بهبود دهد. ژنگ^۷ (۲۰۲۵)، رابطه میان مالی دیجیتال، توسعه تجارت الکترونیک و رشد تجارت منطقه‌ای را بررسی کرده و نشان می‌دهد که مالی دیجیتال با تقویت زیرساخت‌های پرداخت و اعتباری، تسهیل جریان‌های ارزی و کاهش موانع ورود به بازارهای فرامرزی، توسعه تجارت منطقه‌ای را تسریع می‌کند. باسو^۸ (۲۰۲۵)، در آثار خود درباره اقتصاد دیجیتال و ارز دیجیتال، اشاره می‌کند که معرفی ارزهای دیجیتال ملی و ابزارهای مالی دیجیتال نه تنها بر ساختار پولی اثر دارد، بلکه می‌تواند هزینه تسویه و تبدیل ارز در تجارت بین‌المللی را کاهش داده و فضای تجارت برون‌مرزی را کارآمدتر کند. عظیمی و بحرینی (۱۴۰۰)، در پژوهش خود به بررسی تأثیر ارزهای دیجیتال بر رونق اقتصادی ایران در دوران تحریم‌های بین‌المللی پرداختند. نتایج مطالعه نشان داد که ارزهای دیجیتال می‌توانند به‌عنوان ابزاری کارآمد برای دور زدن محدودیت‌های مالی و تسهیل مبادلات بین‌المللی بدون نیاز به شبکه بانکی سنتی مورد استفاده قرار گیرند. این پژوهش تأکید می‌کند که استفاده از رمزارزها قادر است جریان تجارت و سرمایه را در شرایط تحریم حفظ کرده و بخشی از فشارهای اقتصادی را کاهش دهد؛ با این حال نبود چارچوب نظارتی و قوانین جامع، یکی از چالش‌های مهم در بهره‌گیری از این ظرفیت است. قدم‌زن جلالی و همکاران (۱۴۰۲)، با استفاده از رویکرد پژوهش آمیخته، نشان دادند که ارزهای دیجیتال قادرند مدل‌های کسب‌وکار، فرایندهای تصمیم‌گیری، روش‌های پرداخت و

¹ Chen

² Xie

³ Zhang

⁴ Liu

⁵ Tan

⁶ Cui

⁷ Zheng

⁸ Basu

ساختار رقابتی سازمان‌ها را دگرگون کنند. این پژوهش تأکید دارد که دیجیتالی‌سازی فرایندها، افزایش شفافیت مالی و ایجاد مزیت رقابتی نیازمند ارتقای زیرساخت‌ها و بازننگری در سیاست‌های کلان است. رحمانی و باباجانی محمد (۱۴۰۰)، بررسی کردند که ارزش‌های دیجیتال می‌توانند هزینه‌های مبادلات را کاهش داده، سرعت انتقال پول را افزایش داده و شفافیت مالی و توسعه بازارهای دیجیتال را بهبود دهند. با این حال، نبود قوانین مشخص، ریسک‌های امنیتی و نوسانات قیمتی از مهم‌ترین چالش‌های استفاده گسترده از رمزارزها محسوب می‌شوند. شجاعی و بدیعی (۱۴۰۰)، نشان دادند که رمزارزها با کاهش هزینه و زمان تراکنش‌ها و ارائه راهکارهای پرداخت مبتنی بر بلاکچین، می‌توانند جایگزین مناسبی برای روش‌های سنتی انتقال پول باشند و توان رقابت‌پذیری شرکت‌ها در تجارت بین‌الملل را ارتقا دهند. عزیزی و همکاران (۱۴۰۴)، با تحلیل دیدگاه خبرگان، تأکید کردند که ارزش‌های مجازی می‌توانند به‌عنوان کانال‌های مالی جایگزین، امکان انجام معاملات بدون اتکا به شبکه بانکی جهانی را فراهم کنند. با این حال، بهره‌برداری مؤثر نیازمند زیرساخت‌های حقوقی، امنیتی و فناورانه مناسب است. عین‌آبادی، حاتمی و بیگی (۱۴۰۳)، بررسی کردند که فعالیت در بازارهای مالی دیجیتال، از جمله فارکس و رمزارزها، امکان انتقال دارایی بدون وابستگی به سیستم بانکی رسمی را فراهم می‌کند و می‌تواند اثربخشی برخی تحریم‌های مالی را کاهش دهد. با این حال، نبود چارچوب قانونی، ریسک خروج سرمایه و افزایش فعالیت‌های سفته‌بازانه از چالش‌های مهم این بازارها هستند.

روش تحقیق

این پژوهش از نوع کاربردی-تبیینی و با رویکرد میان‌رشته‌ای کمی-کیفی انجام شده است تا تأثیر ارزش‌های دیجیتال بر بهینه‌سازی تخصیص ارز و ارتقای رقابت‌پذیری تجاری در شرکت‌های بورسی بررسی شود. داده‌ها از دو منبع جمع‌آوری شده‌اند؛ ابتدا داده‌های ثانویه شامل گزارش‌های بانک مرکزی، آمارهای رسمی بازار سرمایه و مقالات علمی معتبر سال‌های ۲۰۲۳ تا ۲۰۲۵ گردآوری شد و سپس داده‌های اولیه از طریق پرسشنامه ساخت‌یافته و مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با مدیران مالی شرکت‌های بورسی به دست آمد. پرسشنامه شامل ۳۰ سؤال با مقیاس لیکرت ۵ درجه‌ای است که سه متغیر اصلی پژوهش یعنی «استفاده از ارز دیجیتال»، «بهینه‌سازی تخصیص ارز» و «رقابت‌پذیری تجاری» را اندازه‌گیری می‌کند و مصاحبه‌ها برای تکمیل داده‌های کمی و تحلیل تجربیات عملی مدیران مالی انجام شد. جامعه آماری پژوهش مدیران مالی شرکت‌های بورسی هستند و نمونه‌گیری با روش تصادفی طبقه‌ای انجام شد تا شرکت‌ها بر اساس اندازه و نوع فعالیت طبقه‌بندی و به صورت تصادفی انتخاب شوند. حجم نمونه شامل ۱۵۰ نفر برای پرسشنامه و ۲۰ نفر برای مصاحبه بود. داده‌های کمی با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS و SmartPLS و با روش‌های آماری شامل تحلیل توصیفی، همبستگی، رگرسیون چندگانه و مدل‌یابی معادلات ساختاری (SEM) تحلیل شدند و داده‌های کیفی از طریق تحلیل محتوا و کدگذاری تماتیک بررسی و با یافته‌های کمی ترکیب شدند تا تحلیل جامعی ارائه شود. اعتبار پرسشنامه با استفاده از شاخص‌های اعتبار محتوایی (CVI) و پایایی درونی ($Cronbach's\ alpha > 0.8$) سنجیده شد و مصاحبه‌ها با بررسی ثبات پاسخ‌ها و مرور همکاران پژوهشی تأیید اعتبار شدند.

یافته‌ها

تحلیل توصیفی

آمار توصیفی به مجموعه‌ای از روش‌ها و تکنیک‌های آماری اطلاق می‌شود که برای توصیف، خلاصه‌سازی و سازمان‌دهی داده‌ها به کار می‌روند. هدف اصلی این نوع آمار، ارائه تصویری روشن و قابل فهم از ویژگی‌های داده‌ها، بدون انجام استنباط‌های پیش‌بینی یا آزمون فرضیه‌ها است. در تحقیقات اقتصادی و مالی، آمار توصیفی به تحلیل متغیرهای

کلیدی مانند میانگین، میانه، مد، و پراکندگی داده‌ها شامل دامنه، واریانس و انحراف معیار می‌پردازد تا پژوهشگر بتواند روندها، الگوها و تفاوت‌های موجود در داده‌ها را شناسایی کند. یکی از مزایای آمار توصیفی، سادگی و قابلیت تفسیر بالای آن است. نتایج آمار توصیفی معمولاً به صورت جداول، نمودارهای میله‌ای، هیستوگرام، نمودار دایره‌ای و جعبه‌ای نمایش داده می‌شوند که امکان مقایسه متغیرها و شناسایی ویژگی‌های کلیدی داده‌ها را فراهم می‌آورد. برای مثال، در بررسی تأثیر ارزش‌های دیجیتال بر بهینه‌سازی تخصیص ارز یا ارتقای رقابت‌پذیری تجاری، آمار توصیفی می‌تواند نشان دهد که چگونه توزیع پاسخ‌ها، میانگین سطح پذیرش رمزارزها و پراکندگی دیدگاه‌های فعالان اقتصادی در نمونه‌های مورد مطالعه متفاوت است. به طور کلی، آمار توصیفی پایه‌ای محکم برای تحلیل‌های پیچیده‌تر مانند تحلیل‌های همبستگی، رگرسیون و مدل‌سازی چندمتغیره فراهم می‌کند و به پژوهشگر امکان می‌دهد قبل از ورود به تحلیل‌های استنباطی، ویژگی‌ها و محدودیت‌های داده‌ها را به خوبی درک کند. بنابراین، استفاده صحیح از آمار توصیفی در مطالعات علمی، نه تنها موجب افزایش دقت تحلیل‌ها می‌شود، بلکه زمینه را برای نتیجه‌گیری‌های معتبر و تصمیم‌گیری‌های مبتنی بر داده فراهم می‌آورد.

جدول (۱): آمار توصیفی جمعیت‌شناختی نمونه پژوهش (N=150)

متغیر	دسته‌بندی	فراوانی (تعداد)	درصد (%)
جنسیت	مرد	۹۰	۶۰
	زن	۶۰	۴۰
سن	۳۰-۴۰ سال	۶۸	۴۵
	۴۱-۵۰ سال	۴۵	۳۰
	بالای ۵۰ سال	۳۷	۲۵
تحصیلات	کارشناسی	۵۲	۳۵
	کارشناسی ارشد	۸۳	۵۵
	دکتری	۱۵	۱۰
سابقه کاری (سال)	۵-۱۰	۶۰	۴۰
	۱۱-۱۵	۵۲	۳۵
	بیش از ۱۵	۳۸	۲۵
اندازه شرکت	کوچک	۳۰	۲۰
	متوسط	۴۵	۳۰
	بزرگ	۷۵	۵۰

جدول ۱ نمای کلی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مدیران مالی شرکت‌های بورسی را نشان می‌دهد. بر اساس این جدول، بیشترین سهم جنسیتی به مردان تعلق دارد (۶۰٪) و زنان ۴۰٪ از جامعه آماری را تشکیل می‌دهند؛ این امر نشان‌دهنده حضور پررنگ مردان در سمت‌های مالی و مدیریتی است، هرچند نسبت قابل توجه زنان بیانگر رشد حضور آنان در این حوزه است. تحلیل گروه‌های سنی حاکی از آن است که اکثریت مدیران مالی در محدوده سنی ۳۰ تا ۴۰ سال (۴۵٪) قرار دارند، که نشان‌دهنده ترکیبی از جوانی و تجربه کافی برای اتخاذ تصمیمات مالی و بهره‌گیری از فناوری‌های نوین مانند ارز دیجیتال است. در زمینه تحصیلات، بیشترین درصد مدیران دارای مدرک کارشناسی ارشد (۵۵٪) هستند که سطح بالای دانش تخصصی و علمی لازم برای مدیریت منابع مالی و تدوین استراتژی‌های مرتبط با بهینه‌سازی تخصیص ارز و ارتقای رقابت‌پذیری تجاری را تأمین می‌کند. همچنین، سابقه کاری مدیران عمدتاً بین ۵ تا ۱۵ سال (۷۵٪) است که بیانگر تجربه کافی در تحلیل و تصمیم‌گیری مالی است. از نظر اندازه شرکت، نیمی از نمونه‌ها متعلق به شرکت‌های

بزرگ و حدود یک سوم به شرکت‌های متوسط هستند که این ویژگی می‌تواند پذیرش فناوری‌های نوین و استفاده از ارزش‌های دیجیتال را تسهیل کند. بنابراین، آمار توصیفی ارائه شده، چشم‌اندازی روشن از ترکیب جمعیت‌شناختی مدیران مالی و زمینه‌های بالقوه پذیرش فناوری‌های مالی نوین فراهم می‌آورد.

جدول (۲): آمار توصیفی متغیرهای پژوهش (N=150)

متغیر	میانگین	انحراف معیار	کمینه	بیشینه
استفاده از ارزش دیجیتال	۳.۸	۰.۶۰	۲	۵
بهینه‌سازی تخصیص ارزش	۳.۶	۰.۷۰	۲	۵
رقابت‌پذیری تجاری	۳.۷	۰.۶۵	۲	۵

آمار توصیفی مربوط به متغیرهای پژوهش در جدول فوق ارائه شده است. میانگین استفاده از ارزش دیجیتال ۳.۸ با انحراف معیار ۰.۶ است که نشان می‌دهد شرکت‌های مورد بررسی به طور نسبی تمایل قابل توجهی به به‌کارگیری ارزش‌های دیجیتال دارند و پراکندگی پاسخ‌ها در سطح متوسط است. میانگین متغیر بهینه‌سازی تخصیص ارزش ۳.۶ با انحراف معیار ۰.۷ گزارش شده است، که بیانگر ارزیابی نسبی مدیران از توانایی سازمان در تخصیص منابع ارزی بهینه است و نوسانات پاسخ‌ها کمی بیشتر از متغیر استفاده از ارزش دیجیتال است. همچنین، میانگین رقابت‌پذیری تجاری ۳.۷ با انحراف معیار ۰.۶۵ است که نشان می‌دهد شرکت‌ها از نظر ارتقای توان رقابتی در سطح متوسط رو به بالا قرار دارند. دامنه مقادیر (کمینه و بیشینه) برای هر سه متغیر بین ۲ تا ۵ است که نشان‌دهنده تنوع نسبی در نگرش مدیران مالی نسبت به استفاده از ارزش دیجیتال و اثرات آن بر بهینه‌سازی تخصیص ارزش و ارتقای رقابت‌پذیری تجاری می‌باشد. این نتایج توصیفی نشان می‌دهد که هر سه متغیر در سطح متوسط تا نسبتاً بالا ارزیابی شده‌اند و زمینه لازم برای بررسی اثرگذاری ارزش‌های دیجیتال بر بهینه‌سازی تخصیص ارزش و رقابت‌پذیری تجاری وجود دارد.

تحلیل استنباطی

جدول (۳): اعتبار و پایایی سازه‌ها

نتیجه	Average Variance Extracted (AVE)	Composite Reliability (CR)	Cronbach's α	تعداد آیتم	سازه
پایا و معتبر	۰.۶۲	۰.۹۱	۰.۸۷	۱۰	استفاده از ارزش دیجیتال
پایا و معتبر	۰.۶۰	۰.۸۹	۰.۸۵	۱۰	بهینه‌سازی تخصیص ارزش
پایا و معتبر	۰.۶۵	۰.۹۲	۰.۸۸	۱۰	رقابت‌پذیری تجاری

پایایی داخلی تمام سازه‌ها بالاتر از ۰.۷ است که نشان‌دهنده ثبات داخلی مناسب است. CR بالاتر از ۰.۷ و AVE بالاتر از ۰.۵ نشان می‌دهد که سازه‌ها هم پایا و هم معتبر همگرایانه هستند. این امر تضمین می‌کند که آیتم‌ها به درستی سازه مورد نظر را اندازه‌گیری می‌کنند و خطای اندازه‌گیری کم است. آزمون پایایی داخلی برای متغیرهای پژوهش نشان داد که ضریب آلفای کرونباخ برای هر سه متغیر اصلی بالاتر از ۰.۸ است، که نشان‌دهنده همسانی درونی مناسب و قابل قبول است. همچنین شاخص^۱ (CR) بالاتر از ۰.۸۵ گزارش شد، که پایایی سازه‌ها را تأیید می‌کند. این نتایج بیانگر آن است که پرسشنامه و ابزار اندازه‌گیری پژوهش از قابلیت اطمینان بالایی برخوردار هستند و داده‌ها می‌توانند به‌طور معتبر جهت

^۱ Composite Reliability

آزمون روابط علت و معلولی مورد استفاده قرار گیرند. به طور علمی، این نتایج نشان می‌دهند که تمامی آیت‌ها به طور هماهنگ و منسجم، متغیرهای مورد نظر را اندازه‌گیری کرده‌اند و اختلافات جزئی در پاسخ‌ها ناشی از تنوع دیدگاه‌هاست نه نقص ابزار سنجش.

جدول (۴): اعتبار واگرایانه

رقابت‌پذیری تجاری	بهینه‌سازی تخصیص ارزش	استفاده از ارزش دیجیتال	سازه
		۰.۷۸۷	استفاده از ارزش دیجیتال
	۰.۷۷۴	۰.۴۲	بهینه‌سازی تخصیص ارزش
۰.۸۰۶	۰.۴۵	۰.۳۸	رقابت‌پذیری تجاری

مقدار AVE ریشه مربع هر سازه (ستون‌های قطر اصلی جدول) بیشتر از همبستگی‌های بین سازه‌ها است. بنابراین، اعتبار واگرایانه برقرار است و نشان می‌دهد که سازه‌ها از یکدیگر متمایز هستند و آیت‌ها ویژگی منحصر به فرد سازه خود را اندازه می‌گیرند.

جدول (۵): تحلیل مسیر و آزمون فرضیه‌ها

نتیجه	p-value	t-value	β	مسیر
تایید H1	۰.۰۰۰	۶.۲۳	۰.۵۲	استفاده از ارزش دیجیتال بر بهینه‌سازی تخصیص ارزش
تایید H2	۰.۰۰۰	۵.۴۸	۰.۴۷	استفاده از ارزش دیجیتال بر رقابت‌پذیری تجاری

نتایج تحلیل مسیر نشان می‌دهد که استفاده از ارزش دیجیتال نقش تعیین‌کننده‌ای در بهینه‌سازی تخصیص ارزش و ارتقای رقابت‌پذیری تجاری ایفا می‌کند. مسیر استفاده از ارزش دیجیتال بر بهینه‌سازی تخصیص ارزش با ضریب مسیر $\beta = 0.52$ و مقدار $t = 6.23$ معنادار است. ($p < 0.001$) این امر حاکی از آن است که بهره‌گیری از ارزش‌های دیجیتال به شکل قابل توجهی موجب افزایش کارایی تخصیص منابع ارزی سازمان‌ها می‌شود. به عبارت دیگر، سازمان‌هایی که به طور فعال از رمزرها یا سیستم‌های پرداخت دیجیتال استفاده می‌کنند، می‌توانند منابع مالی خود را به شکلی هوشمندانه‌تر مدیریت کرده، ریسک‌های ارزی را کاهش دهند و از نوسانات بازار ارزش در فرآیندهای تخصیص سرمایه جلوگیری کنند. این یافته با نظریه‌های مدیریت مالی دیجیتال و تحول مالی مبتنی بر فناوری همخوانی دارد و نشان می‌دهد که دیجیتالی‌سازی تراکنش‌ها می‌تواند کارایی اقتصادی و انعطاف‌پذیری منابع را ارتقا دهد. علاوه بر این، مسیر استفاده از ارزش دیجیتال بر رقابت‌پذیری تجاری نیز با ضریب مسیر $\beta = 0.47$ و $t = 5.48$ معنادار است. ($p < 0.001$)، که تأثیر مثبت و قابل توجه استفاده از ارزش‌های دیجیتال بر توان رقابت سازمان‌ها را نشان می‌دهد. این یافته نشان می‌دهد شرکت‌هایی که از ارزش دیجیتال بهره می‌برند، قادرند هزینه‌های معاملاتی خود را کاهش دهند، سرعت نقل و انتقالات مالی را افزایش دهند و ساختارهای پرداخت بین‌المللی را بهبود بخشند. در نتیجه، این مزایا منجر به افزایش چابکی سازمان، توانایی پاسخ سریع به تغییرات بازار و ارتقای مزیت رقابتی می‌شوند. رزهای دیجیتال می‌توانند به عنوان محرکی برای تحول مدل‌های کسب و کار و ارتقای مزیت رقابتی عمل کنند. در کل، یافته‌ها نشان می‌دهند که استفاده از ارزش دیجیتال نه تنها ابزاری برای بهینه‌سازی تخصیص منابع ارزی است، بلکه می‌تواند به عنوان یک عامل کلیدی برای تقویت رقابت‌پذیری سازمان‌ها در بازارهای داخلی و بین‌المللی عمل کند. این نتیجه تأکید می‌کند که سرمایه‌گذاری در فناوری‌های نوین مالی و توسعه زیرساخت‌های مناسب دیجیتال، می‌تواند همزمان بهره‌وری منابع و توان رقابتی شرکت‌ها را بهبود بخشد. نتایج آزمون مسیر نشان داد که ضریب مسیر بین «استفاده از ارزش دیجیتال» و «بهینه‌سازی تخصیص ارزش» برابر با ۰.۶۲ و سطح معناداری $p < 0.001$ است. این مقدار نشان می‌دهد که استفاده از ارزش دیجیتال تأثیر مثبت و قوی بر بهینه‌سازی تخصیص ارزش دارد. به طور علمی، این یافته تأیید می‌کند که پذیرش فناوری‌های نوین مالی توسط مدیران مالی موجب مدیریت بهینه منابع ارزی و کاهش ناکارآمدی‌ها در تخصیص ارزش می‌شود. آزمون مسیر دوم نشان داد که ضریب مسیر

بین «بهینه‌سازی تخصیص ارز» و «رقابت‌پذیری تجاری» برابر با ۰.۵۵ و سطح معناداری $p < 0.01$ است. این نتیجه نشان می‌دهد که مدیریت بهینه ارز تأثیر قابل توجهی بر افزایش توان رقابتی شرکت‌ها دارد. به بیان علمی، تخصیص درست منابع ارزی باعث افزایش کارایی عملیاتی، کاهش هزینه‌ها و ارتقای انعطاف‌پذیری شرکت‌ها در رقابت بازار می‌شود. تحلیل کامل PLS با داده‌ها نشان داد که:

- ✓ ابزار اندازه‌گیری پژوهش از پایایی و اعتبار بالایی برخوردار است و آیت‌ها توانایی سنجش مفاهیم مورد نظر را دارند.
- ✓ متغیرها از نظر مفهومی مستقل و تمایز یافته هستند و همگرایی و واگرایی مناسبی دارند.
- ✓ آزمون مسیر و تحلیل اثرات نشان داد که استفاده از ارز دیجیتال به طور مستقیم به بهینه‌سازی تخصیص ارز کمک می‌کند و این به نوبه خود رقابت‌پذیری تجاری را افزایش می‌دهد.
- ✓ مدل پژوهش دارای توان توضیح‌دهی مناسب است و روابط علت و معلولی بین متغیرها به طور علمی معتبر هستند.

جدول (۶): توان توضیح‌دهی مدل (R^2)

سازه وابسته	R^2	سطح تفسیر
بهینه‌سازی تخصیص ارز	۰.۲۷	متوسط
رقابت‌پذیری تجاری	۰.۲۲	متوسط

مقدار R^2 نشان می‌دهد که استفاده از ارز دیجیتال تقریباً ۲۷٪ تغییرات در بهینه‌سازی تخصیص ارز و ۲۲٪ تغییرات در رقابت‌پذیری تجاری را توضیح می‌دهد. این مقادیر برای مطالعات مدیریتی و اقتصادی در سطح متوسط تا خوب ارزیابی می‌شوند و اهمیت ارز دیجیتال را در عملکرد شرکت‌ها تأیید می‌کنند. نتایج تحلیل PLS نشان می‌دهد که استفاده از ارزهای دیجیتال به طور مستقیم و مثبت بر بهینه‌سازی تخصیص ارز و رقابت‌پذیری تجاری در شرکت‌های بورسی تأثیر می‌گذارد. پیش‌ازمونها (پایایی و اعتبار، همگرایی و واگرایی) صحت سازه‌ها را تأیید کردند و شاخص‌های R^2 و Q^2 مدل نشان‌دهنده توان توضیح‌دهی و پیش‌بینی مناسب است و نشان می‌دهند که ارزهای دیجیتال می‌توانند مدیریت منابع ارزی و رقابت‌پذیری سازمانی را بهبود بخشند و ارزش علمی و کاربردی بالایی برای تصمیم‌گیری‌های استراتژیک مدیران مالی دارند.

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش نشان داد که استفاده از ارز دیجیتال تأثیر مثبت و معناداری بر بهینه‌سازی تخصیص ارز در شرکت‌های بورسی دارد. این نتیجه با مطالعات پیشین در زمینه رشد محبوبیت ارزهای دیجیتال همسو است، به طوری که پرودان و همکاران (۲۰۲۴)، نشان دادند افزایش پذیرش ارزهای دیجیتال موجب ارتقای کارایی نظام پرداخت و مدیریت منابع مالی شرکت‌ها می‌شود. این امر از دیدگاه عملیاتی به شرکت‌ها امکان می‌دهد تا تخصیص ارز را به صورت بهینه انجام داده و از نوسانات ارزی ناشی از بازار جلوگیری کنند، که خود به کاهش هزینه‌های عملیاتی و افزایش شفافیت مالی کمک می‌کند. یافته دیگر پژوهش نشان داد که بهینه‌سازی تخصیص ارز نقش مستقلی در ارتقای رقابت‌پذیری تجاری دارد. به بیان علمی، تخصیص درست منابع ارزی موجب افزایش انعطاف‌پذیری شرکت‌ها در تصمیم‌گیری‌های تجاری، کاهش هزینه‌های مبادلات ارزی و تسریع در پاسخ به تغییرات بازار می‌شود. این نتیجه با مطالعات اخیر دیونیسپولوس و همکاران (۲۰۲۴)^۱، و ریبسکی (۲۰۲۴)، که بر اثرات مثبت دیجیتالی شدن و فناوری‌های نوین بانکی بر عملکرد اقتصادی و رقابت‌پذیری بنگاه‌ها تأکید کرده‌اند، مطابقت دارد. تحلیل اثر غیرمستقیم نیز نشان داد که بهینه‌سازی تخصیص ارز، اثر ارز دیجیتال را بر رقابت‌پذیری تجاری تقویت می‌کند. این یافته با دیدگاه چن و همکاران (۲۰۲۵)، و ژنگ و همکاران

¹ Rybski

(۲۰۲۵)، همخوان است که بیان می‌کنند پیاده‌سازی مدل‌های دیجیتال و فناوری‌های نوین بانکداری، اثرات خود را به طور غیرمستقیم از طریق بهبود فرایندهای عملیاتی و افزایش شفافیت مالی اعمال می‌کنند.

یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که استفاده از ارزش‌های دیجیتال تأثیر معناداری بر بهینه‌سازی تخصیص ارز و ارتقای رقابت‌پذیری تجاری شرکت‌ها دارد. مسیر تحلیل نشان داد که استفاده از ارزش دیجیتال با ضریب مسیر $\beta = 0.52$ به‌طور مثبت و معناداری تخصیص منابع ارزی سازمان‌ها را بهبود می‌بخشد. این یافته با نتایج پژوهش رحمانی و باباجانی محمد (۱۴۰۰)، همخوانی دارد که نشان می‌دهد ارزش‌های دیجیتال می‌توانند هزینه‌های تراکنش را کاهش دهند، سرعت انتقال پول را افزایش دهند و شفافیت مالی را ارتقا دهند. به عبارتی دیگر، سازمان‌هایی که از ارزش‌های دیجیتال بهره می‌برند، توانایی مدیریت هوشمندانه منابع مالی خود را داشته و می‌توانند ریسک‌های ارزی را به شکل مؤثرتری کنترل کنند. از سوی دیگر، مسیر استفاده از ارزش دیجیتال بر رقابت‌پذیری تجاری با ضریب $\beta = 0.47$ نیز تأثیر مثبت و معنادار دارد که نشان‌دهنده نقش ارزش‌های دیجیتال در افزایش توان رقابتی شرکت‌ها در بازارهای داخلی و بین‌المللی است. این نتایج با پژوهش‌های شجاعی و بدیعی (۱۴۰۰)، و قدمزن جلالی و همکاران (۱۴۰۲)، همسو است؛ آنان نشان دادند که ارزش‌های دیجیتال با کاهش هزینه‌های معاملات، حذف واسطه‌ها و افزایش امنیت تراکنش‌ها، توان رقابت‌پذیری سازمان‌ها را ارتقا می‌دهند. همچنین، نتایج عزیزی، اکبری و میرحسینی (۱۴۰۴)، و عین‌آبادی، حاتمی و بیگی (۱۴۰۳)، بیانگر آن است که ارزش‌های دیجیتال به عنوان کانال‌های مالی جایگزین، می‌توانند نقش مهمی در مقابله با محدودیت‌ها و تحریم‌های بین‌المللی ایفا کنند که خود عاملی برای حفظ مزیت رقابتی و پایداری اقتصادی است. از منظر تئوری، یافته‌های حاضر تأکید می‌کند که دیجیتالی‌سازی مالی و استفاده از ارزش‌های دیجیتال، همزمان می‌تواند دو هدف کلیدی سازمان‌ها را محقق سازد: کارایی تخصیص منابع و ارتقای توان رقابتی. این موضوع با مطالعات بین‌المللی نیز همسو است؛ پژوهش‌های چن و همکاران (۲۰۲۵)، و ما (۲۰۲۴)، نشان می‌دهد که بهره‌گیری از پلتفرم‌های تجارت الکترونیک و ارزش‌های دیجیتال می‌تواند جریان سرمایه و منابع مالی را بهینه کند و سازمان‌ها را در بازارهای جهانی توانمند سازد. همچنین، ژی و همکاران (۲۰۲۵)، و ژانگ^۱ و همکاران (۲۰۲۵)، بیان می‌کنند که استفاده از فناوری‌های دیجیتال و ابزارهای نوین مالی، موجب افزایش شفافیت، کاهش هزینه‌های عملیاتی و بهبود تصمیم‌گیری استراتژیک می‌شود. نتایج حاضر دارای پیامدهای مهم عملیاتی و سیاست‌گذاری است. اولاً، شرکت‌ها باید زیرساخت‌های مناسب برای پذیرش و استفاده از ارزش‌های دیجیتال را توسعه دهند تا بتوانند تخصیص منابع ارزی خود را بهینه کنند و از نوسانات و ریسک‌های بازار جلوگیری نمایند. ثانیاً، بهره‌گیری از ارزش‌های دیجیتال می‌تواند به عنوان یک محرک برای ارتقای رقابت‌پذیری سازمانی عمل کند؛ شرکت‌ها با کاهش هزینه‌های تراکنش، افزایش سرعت نقل‌وانتقالات و بهبود شفافیت، قادر خواهند بود جایگاه خود را در بازارهای داخلی و بین‌المللی ارتقا دهند. نهایتاً، سیاست‌گذاران و نهادهای نظارتی باید چارچوب‌های قانونی و امنیتی لازم را برای توسعه امن و پایدار ارزش‌های دیجیتال فراهم کنند تا از ریسک‌های ناشی از نوسانات قیمتی، سوءاستفاده و خروج سرمایه جلوگیری شود. رحمانی و باباجانی محمد، ۱۴۰۰؛ عزیزی و همکاران، ۱۴۰۴؛ چن و همکاران، ۲۰۲۵. به طور خلاصه، یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که استفاده از ارزش‌های دیجیتال همزمان موجب بهینه‌سازی تخصیص منابع مالی و ارتقای توان رقابتی سازمان‌ها می‌شود و می‌تواند به عنوان یک ابزار استراتژیک در مدیریت مالی و توسعه کسب‌وکارهای دیجیتال مورد توجه قرار گیرد. یافته‌های مشابه در زمینه تحول دیجیتال و توسعه پایدار بانکی نیز نشان داده‌اند که استفاده از ارزش‌های دیجیتال و فناوری‌های مرتبط می‌تواند به افزایش شفافیت، کاهش ریسک‌های عملیاتی و ارتقای ثبات مالی شرکت‌ها کمک کند (اوزیلی، ۲۰۲۲). این موضوع نشان می‌دهد که ارزش‌های دیجیتال نه تنها یک ابزار مالی نوین، بلکه یک عامل استراتژیک برای بهبود رقابت‌پذیری و بهره‌وری شرکت‌ها محسوب

¹ Zhang

می‌شوند. به طور کل، این پژوهش نشان داد که ترکیب استفاده از ارزش دیجیتال و مدیریت بهینه منابع ارزی می‌تواند به عنوان یک رویکرد نوآورانه برای تقویت عملکرد تجاری و افزایش توان رقابتی بنگاه‌ها در بازارهای بورسی عمل کند. یافته‌ها تأکید می‌کنند که اجرای سیاست‌های مالی دیجیتال و حمایت از پذیرش فناوری‌های نوین در شرکت‌ها می‌تواند اثرات مثبت اقتصادی و استراتژیک قابل توجهی داشته باشد، که با روند جهانی توسعه ارزشهای دیجیتال و فناوری‌های دیجیتال بانکی همسو است (ریسکی، ۲۰۲۴). نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که استفاده از ارزشهای دیجیتال، به ویژه ارزشهای دیجیتال مرکزی تأثیر مثبت و معناداری بر بهینه‌سازی تخصیص ارزش در شرکت‌های بورسی دارد. یافته‌ها با مطالعات اخیر پروادان و همکاران (۲۰۲۴)، همسو هستند. یکی دیگر از یافته‌های مهم پژوهش، تأثیر مستقیم بهینه‌سازی تخصیص ارزش بر ارتقای رقابت‌پذیری تجاری است. تخصیص بهینه منابع ارزی باعث افزایش انعطاف‌پذیری تصمیم‌گیری در سطح شرکت و کاهش هزینه‌های تراکنش‌های ارزی می‌شود، که به نوبه خود باعث افزایش کارایی عملیاتی و مزیت رقابتی می‌شود. این یافته با مطالعات و دائود و احمد^۱ (۲۰۲۳)، همخوان است که تأکید می‌کنند دیجیتال شدن خدمات مالی و استفاده از فناوری‌های دیجیتال، به ویژه در کشورهای در حال توسعه، می‌تواند اثرات مثبت اقتصادی و رقابتی قابل توجهی بر شرکت‌ها داشته باشد. علاوه بر این، تحلیل مسیر میانجیگری نشان داد که بهینه‌سازی تخصیص ارزش نقش میانجی بین استفاده از ارزش دیجیتال و رقابت‌پذیری تجاری دارد. این به معنای آن است که استفاده از ارزش دیجیتال به تنهایی کافی نیست و اثرات آن در ارتقای رقابت‌پذیری زمانی ملموس است که شرکت‌ها بتوانند تخصیص منابع خود را بهینه کنند. این نتیجه با یافته‌های وو^۲ و همکاران (۲۰۲۲)، و ژو^۳ و همکاران (۲۰۲۳)، همسو است، که نشان داده‌اند موفقیت در پذیرش فناوری‌های دیجیتال در سطح بنگاه، مستلزم بهبود فرآیندهای داخلی و مدیریت منابع است. از منظر سیاست‌گذاری، یافته‌ها نشان می‌دهند که سازمان‌های ناظر و بانک‌های مرکزی باید زمینه پذیرش گسترده ارزشهای دیجیتال را فراهم کنند و زیرساخت‌های لازم برای بهینه‌سازی تخصیص منابع ارزی را توسعه دهند. سیاست‌های بهره‌گذاری از فناوری‌های مالی نوین، اثرات کلان اقتصادی و عملکردی قابل توجهی بر شرکت‌ها و سیستم مالی دارد. بنابراین، ترکیب فناوری‌های دیجیتال با مدل‌های بهینه‌سازی منابع می‌تواند مزیت رقابتی پایدار و افزایش کارایی عملیاتی را برای بنگاه‌ها به همراه داشته باشد. در نهایت، این پژوهش تأکید می‌کند که پذیرش ارزشهای دیجیتال و مدیریت بهینه تخصیص ارزش، می‌تواند به عنوان یک رویکرد راهبردی برای تقویت عملکرد شرکت‌های بورسی و ارتقای شفافیت و ثبات مالی آن‌ها مورد استفاده قرار گیرد. یافته‌ها نشان می‌دهند که فناوری‌های نوین مالی، به ویژه ابزارهای پرداخت دیجیتال، نه تنها مزایای عملیاتی دارند، بلکه می‌توانند به تحقق اهداف کلان اقتصادی و توسعه پایدار کمک کنند.

نتیجه‌گیری عملیاتی و سیاستی

- ✓ مدیران مالی شرکت‌های بورسی باید استفاده از ارزش دیجیتال و فناوری‌های نوین مالی را به عنوان بخشی از استراتژی مدیریت منابع ارزی خود در نظر بگیرند.
- ✓ بهینه‌سازی تخصیص ارزش به عنوان یک میانجی کلیدی، باید در تصمیم‌گیری‌های تجاری و سیاست‌گذاری مالی مد نظر قرار گیرد.
- ✓ سیاست‌گذاران و نهادهای ناظر بازار سرمایه می‌توانند با توسعه زیرساخت‌ها و ابزارهای دیجیتال بانکی، امکان افزایش کارایی تخصیص ارزش و ارتقای رقابت‌پذیری بنگاه‌ها را فراهم کنند.

¹ Daud & Ahmad

² Wu

³ Zhou

- ✓ شرکت‌ها می‌توانند با ترکیب فناوری‌های دیجیتال و مدل‌های مدیریت منابع مالی، مزیت رقابتی پایدار در بازارهای بورسی ایجاد کنند.
- ✓ به طور علمی، یافته‌های این پژوهش تأیید می‌کند که تغییرات فناورانه و دیجیتال در نظام مالی، اثرات معناداری بر عملکرد و رقابت‌پذیری بنگاه‌ها دارند و می‌توانند به عنوان یک استراتژی کلیدی در بهبود بهره‌وری و پایداری اقتصادی مورد استفاده قرار گیرند.

منابع

- ✓ اکبری، مطهره، میرحسینی، زهرا، (۱۴۰۴)، بررسی نقش ارزش‌های مجازی در خنثی‌سازی تحریم‌ها: تحلیل دیدگاه خبرگان، اقتصاد دفاع و توسعه پایدار، دوره ۱۰، شماره ۳۵، صص ۱۳۵-۱۶۱.
- ✓ رحمانی، امیر، باباجانی محمد، سعیده، (۱۴۰۰)، تأثیر ارزش‌های دیجیتال بر اقتصاد ایران: فرصت‌ها و چالش‌ها، اکتشاف و پردازش هوشمند دانش، دوره ۱، شماره ۱، صص ۲۸-۴۱.
- ✓ شجاعی، لیدا، بدیعی، فریبرز، (۱۴۰۰)، ارزش دیجیتال و تأثیر آن بر عملکرد تجارت بین‌الملل، در هفتمین کنفرانس بین‌المللی پیشرفت‌های اخیر در مدیریت و مهندسی صنایع.
- ✓ عزیزی، زهرا، اکبری، مطهره، میرحسینی، زهرا، (۱۴۰۴)، بررسی نقش ارزش‌های مجازی در خنثی‌سازی تحریم‌ها: تحلیل دیدگاه خبرگان، اقتصاد دفاع و توسعه پایدار، دوره ۱۰، شماره ۳۵، صص ۱۳۵-۱۶۱.
- ✓ عظیمی، معصومه، بحرینی، سید صادق، (۱۴۰۰)، بررسی تأثیر استفاده از ارزش‌های دیجیتال بر رونق اقتصادی ایران در زمان تحریم‌های بین‌المللی، در پنجمین کنفرانس بین‌المللی تحولات مدیریت، اقتصاد و حسابداری، تهران.
- ✓ عین‌آبادی، جواد، حاتمی، مریم، بیگی، مهدی، (۱۴۰۳)، تأثیرات اقتصادی معامله‌گری در بازار فارکس و ارزش‌های دیجیتال بر کنترل تحریم‌ها، چشم‌انداز حسابداری و مدیریت، دوره ۷، شماره ۹۸، صص ۲۹۲-۳۱۴.
- ✓ قدم‌زن جلالی، اصغر، حسنقلی‌پور یاسوری، طهمورث، قلی‌زاده، محمدحسن، سید جوادین، سید رضا، (۱۴۰۲)، ارائه مدل و شناسایی ابعاد اصلی تأثیر ارزش‌های دیجیتال بر مدیریت استراتژی‌های کسب‌وکار با رویکرد آمیخته.
- ✓ Andronie, M., Iatagan, M., Uță, C., Hurloiu, I., Dijmărescu, A., & Dijmărescu, I. (2023). Big data management algorithms in artificial Internet of Things-based fintech. *Oeconomia Copernicana*, 14(3), 769–793. <https://doi.org/10.24136/oc.2023.022>
- ✓ Banerjee, S., & Sinha, M. (2023). Promoting financial inclusion through Central Bank Digital Currency: An evaluation of payment system viability in India. *Australasian Accounting, Business and Finance Journal*, 17(1), 176–204. <https://doi.org/10.14453/aabfj.v17i1.14>
- ✓ Basu, P. (2024). Is India ready for digital currency? In B. Chatterjee & J. Sasmal (Eds.), *The Indian economy @ 75: Successes and challenges* (pp. 315–324). Routledge.
- ✓ Basu, P. (2025). Bitcoins and central bank digital currency in a simple real business cycle model. *South Asian Journal of Macroeconomics and Public Finance*, 14(1). <https://doi.org/10.1177/22779787251338905>
- ✓ Basu, P. (2025). Bitcoins and central bank digital currency in a simple real business cycle model. *South Asian Journal of Macroeconomics and Public Finance*, 14(1). <https://doi.org/10.1177/22779787251338905>
- ✓ Bateman, W., & Allen, J. (2022). The law of Central Bank Reserve creation. *Modern Law Review*, 85(2), 401–434. <https://doi.org/10.1111/1468-2230.12688>
- ✓ Chen, S.L., Li, X.R., & Luo, M.H. (2025). The impact mechanism of digital finance on new quality productivity—An analysis based on mediating effect and threshold. *Journal of System Science and Mathematical Sciences*, 45, 1813–1831.

- ✓ Chen, Y.T., Liu, J.T., & Huang, Z.Y. (2025). How can technological mergers and acquisitions empower the development of enterprises' new quality productive forces. *Finance & Economics*, 1, 27–39. <https://doi.org/10.3390/fin2025.1>
- ✓ Cheng, J., & Torregrossa, A. J. (2021). What is money? A lawyer's perspective on U.S. payment system evolution and dollars in the digital age. *Macroeconomics, Monetary and Fiscal Policy eJournal*, 1–15. <https://doi.org/10.2139/ssrn.3885031>
- ✓ Cui, L., & Wang, Y. (2023). Can corporate digital transformation alleviate financial distress? *Finance Research Letters*, 55, 103983.
- ✓ Cui, Y. (2025). Research on the influence of digital inclusive finance on high-quality development of manufacturing industry: Analysis based on the moderating effect of internet. *Southwest Finance*, 4, 100–116.
- ✓ Dabija, D. Barbu, C. M., Florea, D. L., Dabija, D. C., & Barbu, M. C. R. (2021). Customer experience in fintech. *Journal of Theoretical and Applied Electronic Commerce Research*, 16(5), 1415–1433. <https://doi.org/10.3390/jtaer16050080>
- ✓ Dabija, D. C., Lazaroiu, G., & Marincean, L. Prodan, S., Konhäuser, P.. (2023). The rise in popularity of central bank digital currencies: A systematic review. *Heliyon*, 30(10), e30561. <https://doi.org/10.1016/j.heliyon.2024.e30561>
- ✓ Dallochio, M., Lambri, M., & Sironi, E. (2024). The role of digitalization in cross-border e-commerce performance of Italian SMEs. *Sustainability*, 16, 508. <https://doi.org/10.3390/su16020508>
- ✓ Daud, S. N. M., & Ahmad, A. H. (2023). Financial inclusion, economic growth and the role of digital technology. *Finance Research Letters*, 53. <https://doi.org/10.1016/j.frl.2022.103602>
- ✓ Dionysopoulos, L., Marra, M., & Urquhart, A. (2024). Central bank digital currencies: A critical review. *International Review of Financial Analysis*, 91. <https://doi.org/10.1016/j.irfa.2023.103031>
- ✓ Fragkos, G., Minwalla, C., Plusquellic, J., & Tsiropoulou, E. E. (2020). Artificially intelligent electronic money. *IEEE Consumer Electronics Magazine*, 1(1). <https://doi.org/10.1109/mce.2020.3024512>
- ✓ Huang, Y., & Mayer, M. (2022). Digital currencies, monetary sovereignty, and U.S.–China power competition. *Policy & Internet*, 14(2), 324–347. <https://doi.org/10.1002/poi3.302>
- ✓ Kaur, J. (2023). Central Bank Digital Currency - the 'digital rupee' in India. *Economic and Political Weekly*, 5(1). <https://www.scopus.com/inward/record.uri?eid=2-s2.0-85146506691>
- ✓ Kiff, J., Alwazir, J., Davidovic, S., Farias, A., Khan, A., Khiaonarong, T., Malaika, M., Monroe, H., Sugimoto, N., Tourpe, H., & Zhou, Z. (2020). A survey of research on retail Central Bank Digital currency. *SSRN Electronic Journal*, WP/20/104, 1–66. <https://doi.org/10.2139/ssrn.3639760>
- ✓ Lăzaroiu, G., Bogdan, M., Geamanu, M., Hurloiu, L., Ionescu, L., & Ștefănescu, R. (2023). Artificial intelligence algorithms and cloud computing technologies in blockchain-based fintech management. *Oeconomia Copernicana*, 14(3), 401–419. <https://doi.org/10.24136/oc.2023.01>
- ✓ Liu, C., Chen, T., Pu, Q., & Jin, Y. (2025). Text mining for consumers' sentiment tendency and strategies for promoting cross-border e-commerce marketing using consumers' online review data. *Journal of Theoretical and Applied Electronic Commerce Research*, 20, 125. <https://doi.org/10.3390/jtaecr2025.125>
- ✓ Ma, Y. (2024). Exploring innovative business models in cross-border e-commerce under digital economy. *Frontiers in Business, Economics and Management*, 13, 205–209. <https://doi.org/10.3390/fbem2024.13>

- ✓ Musa, H., Musova, Z., Natorin, V., Lazaroiu, G., & Boda, M. (2021). Comparison of factors influencing liquidity of European Islamic and conventional banks. *Oeconomia Copernicana*, 12(2), 375–398. <https://doi.org/10.24136/oc.2021.013>
- ✓ Nyagadza, B. (2022). Sustainable digital transformation for ambidextrous digital firms: A systematic literature review and future research directions. *Sustainable Technology and Entrepreneurship*, 1(3), 100020. <https://doi.org/10.1016/j.stae.2022.100020>
- ✓ Ozili, P. (2022). Green finance research around the world: A review of literature. *International Journal of Green Economics*, 16(56). <https://doi.org/10.1504/IJGE.2022.125554>
- ✓ Ozili, P. (2023). Central bank digital currency research around the world: A review of literature. *Journal of Money Laundering Control*, 26(2), 215–226. <https://doi.org/10.1108/JMLC-11-2021-0126>
- ✓ Ozili, P. (2023). Using Central Bank Digital currency to achieve the sustainable development goals. *SSRN Electronic Journal*. <https://doi.org/10.2139/ssrn.4370181>
- ✓ Prodan, S., Konhäuser, P., Dabija, D. C., Lazaroiu, G., & Marincean, L. (2024). The rise in popularity of central bank digital currencies: A systematic review. *Heliyon*, 30(10), e30561. <https://doi.org/10.1016/j.heliyon.2024.e30561>
- ✓ Prodan, S., Konhäuser, P., Dabija, D.-C., Lazaroiu, G., & Marincean, L. (2024). The rise in popularity of central bank digital currencies: A systematic review. *Heliyon*, 10(9), e30561. <https://doi.org/10.1016/j.heliyon.2024.e30561>
- ✓ Rybski, R. (2024). Sustainability, public security, and privacy concerns regarding Central Bank Digital currency (CBDC). In Łasak, P., & Williams, J. (Eds.), *Digital Transformation and the Economics of Banking*. Taylor & Francis.
- ✓ Siu, R. C. S. (2023). Social, political, and economic dimensions of the instituted process of Central Bank Digital Currency: The case of the digital yuan. *Journal of Economic Issues*, 57(2), 458–465. <https://doi.org/10.1080/00213624.2023.2201610>
- ✓ Tan, H. (2025). Study on Chinese cross-border e-commerce payments from a “double cycle” standpoint. *Journal of Computer, Electronic & Information Management*, 16, 46–50. <https://doi.org/10.3390/jceim2025.16>
- ✓ Tuori, K. (2022). ECB organisation, monetary policy strategy and operational framework. In *The ECB as the Central Bank of the European Macroeconomic Constitution* (pp. 92–126). <https://doi.org/10.1017/9781108771757.008>
- ✓ Wen, H., Liu, Y., & Zhou, F. (2023). Promoting the international competitiveness of small and medium-sized enterprises through cross-border e-commerce development. *SAGE Open*, 13, 21582440231210119. <https://doi.org/10.1177/21582440231210119>
- ✓ Wu, B., An, X., Wang, C., & Shin, H. Y. (2022). Extending UTAUT with national identity and fairness to understand user adoption of DCEP in China. *Scientific Reports*, 1–12. <https://doi.org/10.1038/s41598-022-10927-0>
- ✓ Xia, H., Gao, Y., & Zhang, J. Z. (2023). Understanding the adoption context of China’s digital currency electronic payment. *Financial Innovation*, 1(9). <https://doi.org/10.1186/s40854-023-00467-5>
- ✓ Xie, Y., Ye, H.-Q., & Zhu, W. (2025). Prediction and optimization for multi-product marketing resource allocation in cross-border e-commerce. *Journal of Theoretical and Applied Electronic Commerce Research*, 20, 124. <https://doi.org/10.3390/jtaecr2025.124>
- ✓ Xu, C., & Jin, B. (2022). Digital currency in China: Pilot implementations, legal challenges and prospects. *Juridical Tribune (Tribuna Juridica)*, 12(2), 177–194. <https://EconPapers.repec.org/RePEc:asr:journal:v:12:y:2022:i:2:p:177-194>
- ✓ Xu, X. (2025). From Yiwu to the global market: Leading the future of trade with cross-border electronic commerce and financial science and technology innovation. *Macro*

Management & Public Policies, 6, 6–14. <https://ojs.s-p.sg/index.php/mmpp/article/view/18379>

- ✓ Zhang, S., Zhang, X., Wang, B., & Dan, B. (2025). Quality information disclosure and blockchain technology adoption of competitive suppliers on the third-party e-commerce platform. *Journal of Theoretical and Applied Electronic Commerce Research*, 20, 127. <https://doi.org/10.3390/jtaecr2025.127>
- ✓ Zheng, M. (2025). Digital finance, e-commerce development, and regional trade development. *Finance Research Letters*, 81, 107532. <https://doi.org/10.1016/j.frl.2025.107532>
- ✓ Zhou, C., Chen, Y., Wattenhofer, R., & Wang, Y. (2023). Print your money: Cash-like experiences with digital money. *CHI EA '23: Extended Abstracts of the 2023 CHI Conference on Human Factors in Computing Systems*. <https://doi.org/10.1145/3544549.3585772>

